

## مطالعه رابطه میان رضایتمندی ساکنان از محیط زندگی و میزان حس تعلق آنها در مجتمع مسکونی بلند مرتبه شهرک کوثر تهران\*

عطیه بهرام پورا، آتوسا مدیری\*\*

<sup>۱</sup> کارشناسی ارشد برنامه ریزی شهری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قزوین، قزوین، ایران.

<sup>۲</sup> استادیار دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز، تهران، ایران.

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۴/۴/۱۴، تاریخ پذیرش نهایی: ۹۴/۷/۷)

### چکیده

بسیاری از محققان معتقدند که یکی از اثرات زندگی در مجموعه‌هایی با تراکم بالای جمعیت و کیفیت نامطلوب محیطی، ضعیف شدن پیوندهای اجتماعی بین ساکنین است که خود زمینه‌ساز کاهش ارتباطات پایدار، عدم مشارکت، کاهش حس تعلق و زوال تدریجی این مجموعه‌ها می‌گردد. این مساله، پژوهش حاضر را بر آن داشت تا به تبیین ارتباط بین معیارهای کیفیت محیط بر حس تعلق در مجتمع‌های مسکونی بلندمرتبه بپردازد. بدین منظور رویکردهای متنوع کیفیت محیط، معیارهای کیفیت محیطی و نظریات تعلق مکانی مورد بررسی قرار گرفتند. شهرک کوثر تهران به دلیل وجود بلوک‌های بلندمرتبه و ویژگی‌های فرهنگی اجتماعی ساکنین به عنوان نمونه موردی پژوهش انتخاب و داده‌های مورد نیاز از طریق پرسشنامه گردآوری گردید. پس از انجام تحلیل عاملی تاییدی، هشت عامل مدیریت شهرک، تسهیلات و خدمات، امنیت و ایمنی، متغیرهای محیطی، تسهیلات محیط مسکونی، هزینه‌ها و حس تعلق به عنوان معیارهای کیفیت محیط در این مجموعه‌ها استخراج گردیدند. همچنین حس تعلق با ارزیابی معیارهای شرکت در فعالیت‌های اجتماعی، ملاقات با همسایگان، وجود خاطرات و مکان‌های ماندگار، فعالیت‌های گروهی و نحوه مشارکت در بهبود محیط زندگی تعیین شد و نتایج حاصله نشان داد که این شهرک از لحاظ کیفیت محیط و میزان حس تعلق در وضعیت خوب قرار دارد. همچنین تبیین ارتباط بین معیارهای کیفیت محیط و حس تعلق مشخص کرد که میزان رضایت از معیار مدیریت شهرک بیشترین تاثیر را بر افزایش رضایتمندی و به دنبال آن حس تعلق دارد.

### واژه‌های کلیدی

کیفیت محیط زندگی، رضایتمندی سکونتی، حس تعلق، مجتمع مسکونی بلند مرتبه.

\* این مقاله برگرفته از پایان نامه کارشناسی ارشد نگارنده اول تحت عنوان «بررسی تاثیر کیفیت محیط زندگی بر میزان حس تعلق ساکنین در مجتمع‌های مسکونی بلند مرتبه: نمونه موردی شهرک امید و شهرک کوثر تهران»، به راهنمایی نگارنده دوم است.  
\*\* نویسنده مسئول: تلفن: ۰۹۱۲۲۱۴۳۷۹۷، شماره: ۰۲۱-۲۲۹۲۱۲۴۹، E-mail: atmodiri@gmail.com.

## مقدمه

میزان تعلق ساکنین به محله‌شان را پیش‌بینی می‌کند (Bonaiuto et al, 2003). علاوه بر این پژوهش‌هایی نیز بوده‌اند که به بررسی تأثیرات عوامل دیگری از بلندمرتبه‌ها مانند تراکم و تعداد طبقات بر مناسبات اجتماعی پرداخته‌اند و بیان کرده‌اند که افزایش تراکم و طبقات نیز بر روی روابط اجتماعی ساکنین اثرگذار است به طوری که در پژوهشی که توسط کشفی و دیگران تحت عنوان نقش فضاهای عمومی ساختمان‌های مسکونی بلندمرتبه در افزایش تعاملات اجتماعی ساکنین انجام شد مشخص گردید که در مجتمع‌های مسکونی تا ۳۰ طبقه با افزایش ارتفاع میزان حس تعلق و هویت افراد کاهش می‌یابد و معمولاً هر چه از میزان دسترسی به زمین و فضاهای سبز کاسته می‌شود، میزان تعاملات ساکنین کمتری شود (کشفی و دیگران، ۱۳۹۱). مجموعه پژوهش‌های انجام شده نشان می‌دهد که کیفیت کالبدی و عملکردی مکان، به عنوان جایگاهی برای فعالیت‌ها و داد و ستدهای اجتماعی، درجه‌ای از وابستگی و تعلق به مکان را تحت تأثیر قرار می‌دهد (Ujang, 2010). آنچه از مجموع این نظرات برمی‌آید، ضرورت اتخاذ تصمیم‌ها و راهکارهای علمی و مؤثر برای تجدید ساختار محیط مصنوع و افزایش کیفیت محیطی در این مجموعه‌هاست تا با افزایش حس تعلق بتوان از بروز ناهنجاری‌ها در این مجموعه‌ها کاست.

این مقاله با هدف تبیین رابطه معیارهای کیفیت محیط سکونت بر میزان حس تعلق در مجتمع‌های مسکونی بلندمرتبه، بر آن است تا با شناسایی این معیارها تعیین کند که کدام یک از این معیارها باعث ایجاد معنای خاص برای ساکنین شده و می‌تواند با برنامه‌ریزی مناسب برای بهبود آن، رضایتمندی و به دنبال آن حس تعلق ساکنان را افزایش دهد.

روند روبه‌رشد تقاضای مسکن به دلیل حل مشکل زمین و مسکن و توسعه نگرش تک‌بعدی و کمیت‌گرا به محیط‌های مسکونی به عنوان تفکر برخاسته از زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی ایران معاصر، سبب شده است در فرهنگ معماری و شهرسازی کنونی توجه لازم به مساله بنیادین کیفیت محیط مسکونی به معنای واقعی آن اعمال نشود. این مساله به همراه تأثیر متقابل کیفیت محیط مسکونی بر کیفیت زندگی ساکنان، تعریف جامع و نظام‌مندی از کیفیت محیط‌های مسکونی را ضروری می‌سازد (معینی و اسلامی، ۱۳۹۱). یکی از مهم‌ترین استراتژی‌هایی که به منظور حل مساله زمین استفاده شده، سیاست حرکت از سمت رشد افقی به سوی رشد عمودی بود که روشن‌ترین شکل تحقق خویش را در هیأت مجتمع‌های مسکونی متشکل از بلوک‌های آپارتمانی بلندمرتبه به نمایش گذاشت. آنچه در برنامه‌ریزی و طراحی این مجموعه‌ها نیز کمتر مورد توجه قرار گرفت، رعایت اصول و معیارهای مربوط به کیفیت محیط و نقش آن در ارزیابی مثبت شهروندان نسبت به وضعیت سکونت خویش بود. پیامد نامطلوب این بی‌توجهی، شکل‌گیری توده‌های حجیم بناهای سرد و بی‌روحی است که فاقد شرایط لازم برای ایجاد ارتباطی پایدار با ساکنان خود بوده و ناگزیر زمینه‌ساز بیگانگی افراد و کاهش حس تعلق به محیط زندگی خویش شده است. در طی سالیان گذشته، پژوهش‌های متفاوتی به بررسی این موضوع پرداخته‌اند، به طور مثال بوناییتو در پژوهشی با عنوان «پیش‌بینی شاخص‌های ادراکی دریافت کیفیت محیط مسکونی و حس تعلق در محیط شهری» به شناسایی شاخص‌های کیفیت محیط و تعلق پرداخته و بیان می‌دارد که رضایتمندی از کیفیت محیط،

## ۱. مبانی نظری پژوهش

### ۱.۱. حس تعلق<sup>۱</sup>

ساکنین به محیط پیرامونشان افزایش یابد بیشتر است. تعدادی از مهم‌ترین نظریات مطرح شده در زمینه حس تعلق در جدول ۱ گردآوری شده‌اند. بررسی نظریات مطرح شده نشان می‌دهد هنگامی یک فرد به موضوع تعلق پیدا می‌کند که از یک سو بتواند از طریق آن به نیازها و انتظارات خود پاسخ دهد، و از سوی دیگر آن را با الگوهای ذهنی ساخته شده از "خود" ارزیابی نماید (Scannell & Gifford, 2010). تأثیر مثبت این ادراک محیطی بر جنبه‌های ذهنی ساکنین، در نهایت به ایجاد حس نزدیکی و ارتباط متقابل با محیط می‌انجامد. این ادراکات به وجودآورنده نوعی احساس رضایت بوده که منتج به ایجاد پیوندهای مثبت بین ساکنین و محیط می‌گردد و در نهایت به ایجاد حس تعلق در آنها می‌انجامد. این حس ایجاد شده، خود وابسته به تجارب قبلی فرد، نحوه دسترسی به مکان و الگوهای فعالیتی موجود

نظریه تعلق مکانی به مطالعه مؤلفه‌های احساسی و عاطفی موجود در پیوند با مکان می‌پردازد بطوریکه مفهوم حس تعلق، ایجاد پیوند عاطفی مثبت بین فرد و مکان تعریف شده است. برطبق این نظریه، مردم به ایجاد پیوندهای احساسی و عاطفی با مکان‌ها مبادرت می‌ورزند. این پیوندها با میزان رضایت افراد، ارزیابی‌شان نسبت به محیط و برخی جنبه‌های هویتی آنها به همراه معیارهایی عینی مانند مدت زمان سکونت، مشارکت در محله و شبکه‌های اجتماعی در ارتباط است (Giuliani & Feldman, 1993; Altman & Low, 1992, 87-90). به طور کلی می‌توان بیان کرد که نظریه تعلق بر این امر استوار است که وابستگی، پیوند عاطفی و تعلق مکانی، زمانی اتفاق می‌افتد که انتظارات و نیازهای اهالی آن محیط تامین شده باشد و هر قدر به نیازها و انتظارات بیشتر پاسخ داده شود، احتمال اینکه تعلق

## ۲.۱. کیفیت محیط زندگی<sup>۲</sup>

طرح مسئله بهبود و ارتقای کیفیت زندگی و کیفیت محیط شهری، نمود گرایشی نوظهور در اوایل دهه ۱۹۶۰ در مواجهه با مسائل رشد و توسعه یک بُعدی بود. این گرایش که به منظور پررنگ‌تر کردن جایگاه عوامل اجتماعی-اقتصادی در زندگی انسان‌ها نمایان شد، همراه با سایر مفاهیم نوین اجتماعی مانند رفاه اجتماعی، عدالت اجتماعی و عدالت محیطی در قلمرو برنامه‌ریزی به طور اعم و برنامه‌ریزی شهری به طور اخص مطرح گردید. این مفهوم به دلیل ماهیت چندبُعدی و پیچیده‌ای که دارد از دیدگاه‌های متعددی بررسی شده است.

همزمان با مطرح شدن مباحث کیفیت زندگی، «کیفیت محیط زندگی» به عنوان یکی از اصلی‌ترین وجوه این مبحث مطرح گردید (زبردست و بنی عامریان، ۱۳۸۹). تعاریف گوناگونی از «کیفیت محیط زندگی» به عنوان ماهیت تعاملی بین انسان و محیط ارائه شده است که در اینجا به برخی از این تعاریف می‌پردازیم:

از دیدگاه اوت<sup>۳</sup> «کیفیت محیط»، از برابری کیفیت اجزای متشکله یک ناحیه معین حاصل می‌شود اما با این وجود بیشتر از جمع اجزای سازنده، بر ادراک کلی از یک مکان دلالت دارد. اجزای سازنده (طبیعت، فضای باز، زیرساخت‌ها، محیط انسان‌ساخت (مصنوع)، تسهیلات محیط کالبدی و ذخایر طبیعی) هر یک مشخصات و کیفیات خاص خود را دارا می‌باشد (Ott, 1978, 371).  
- پروتئوس<sup>۴</sup> «کیفیت محیط» را موضوعی پیچیده می‌داند که

در آن بوده و مبتنی بر کیفیت محیط است (چرخچیان، ۱۳۹۳). آنچه می‌توان دریافت، این است که در همه نظریات مطرح شده، رضایتمندی از محیط به عنوان ضروری‌ترین عامل در ایجاد حس تعلق نام برده شده است و بیشترین رابطه را با حس تعلق داراست بطوریکه حتی در برخی از مطالعات بین میزان رضایت از محیط‌های مسکونی و تعلق به آن تمایزی قایل نمی‌شوند. همین امر سبب شده است که رویکرد رضایتمندی به عنوان رویکرد انتخابی پژوهش معرفی و مورد تدقیق قرار گیرد.

یکی از جذابیت‌های مفهوم حس تعلق این است که توانسته هر دو جنبه عینی و ذهنی ارتباط انسان‌ها با محیط طبیعی پیرامون خود و محل سکونت‌شان را آشکار سازد. در بعضی از مطالعات انجام شده، مشاهده می‌شود که مکان، تنها به عنوان یک محیط اجتماعی در نظر گرفته شده است. در واقع ادعای این پژوهش‌ها این می‌باشد که افراد نسبت به چنین محیط‌هایی احساس تعلق پیدا می‌کنند. بنابراین، در این پژوهش، معیارهای میزان مشارکت، وجود تعاملات اجتماعی، فعالیت‌های گروهی، نحوه مشارکت در بهبود محیط زندگی، وجود ارتباطات اجتماعی در همسایگی، مطلوبیت کالبدی، وجود خاطرات و مکان‌های ماندگار به عنوان معیارهای حس تعلق در نظر گرفته شده‌اند که در پژوهش‌های متعدد نیز به آنها اشاره شده است (Amerigo & Aragones, 1997; Ammole, 2009; چرخچیان، ۱۳۹۳؛ ملکی و دیگران، ۱۳۹۳).

جدول ۱- گزیده‌ای از نظریات مطرح شده در زمینه نظریه حس تعلق.

نام	منبع	نظریه	توضیحات
شولتز	شولتز، ۱۳۹۲	تعیین هویت، اساس حس تعلق انسان است. امروز ما شروع به فهم این امر کرده‌ایم که آزادی واقعی، تعلق داشتن را پیش فرض می‌گیرد و این که «سکونت گزیدن» به مفهوم تعلق داشتن به یک مکان محسوس است (شولتز، ۱۳۹۲، ۴۰).	تعلق مکانی در شاخه پدیدارشناسی کمتر مطرح شده و بیشتر به هویت اشاره شده است. به عنوان مثال شولتز نیز حس تعلق را زیرمجموعه تعیین هویت می‌داند.
هیدالگو و هرناندز	Hidalgo & Hernandez, 2001	پیوند عاطفی مثبت و مساعد، مابین یک فرد و یک مکان خاص، که مهم‌ترین ویژگی این پیوند تمایل فرد به حفظ نزدیکی اش به آن مکان خاص است.	در تعریفی که هیدالگو، هرناندز، شوماخر، تیلور و هیومن از تعلق مکانی ارائه می‌کنند بیشتر بر درگیری‌های احساسی و وابستگی‌های عاطفی تأکید می‌ورزند.
شوماخر و تیلور	Shumaker & Taylor, 1983	وابستگی عاطفی مثبت بین فرد و مکان بیان می‌کنند که گروه‌های اجتماعی، مطلوبیت کالبدی، شخصیت فرد و موقعیت دریافت شده از محل زندگی وی در آن نقش دارند.	
لو و آلتمن	Altman & Low, 1992	ارتباطی نمادین با مکان است که با دادن معانی عاطفی و حس مشترک فرهنگی، توسط افراد به مکان خاص شکل می‌گیرد و مبنای نحوه ادراک فرد از مکان و نحوه ارتباط وی با آن می‌باشد. در روانشناسی، تعلق مکانی به رابطه شناختی فرد با یک محیط خاص اطلاق می‌شود و از لحاظ هویتی، تعلق مکانی رابطه تعلق فرد به محیط اجتماعی است که فرد در آن زندگی می‌کند.	سیتالو یکی از اندیشمندان گرایش روانشناسی محیطی می‌باشد. این تعریف مشابه آن چیزی است که در نظر دیگر محققان این گرایش علمی تعلق اجتماعی نامیده می‌شود.
بونایتو و همکاران	Bonaiuto et al., 1999	تعلق مکانی را وابستگی عاطفی با مکان خاص و تبدیل فرد به عنوان بخشی از هویت مکان تعریف می‌کند و می‌گوید که این امر در چارچوب فرآیند اجتماعی و روانشناختی بین فرد و مکان پدید می‌آید و نتیجه اش احساس علاقه نسبت به مکان است.	بونایتو یکی از مشهورترین محققان در حیطه علوم اجتماعی می‌باشد. او در پژوهش‌هایی سعی بر شناسایی مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر تعلق مکانی را دارد.
اسکل و گیفورد	Scannell & gif- 2010, ford	تعلق مکانی دارای سه بعد فرد، فرایند و مکان است. حس تعلق به صورت پیوندی‌های عاطفی در ابعاد مذکور رخ می‌دهد.	تعلق مکانی در مقیاس‌های مختلف مانند کشور، شهر، محله، خانه و اتاق به وجود می‌آید و می‌تواند به صورت فردی یا گروهی، در محیط اجتماعی یا فیزیکی و به صورت یک فرایند عاطفی، شناختی و رفتاری ایجاد گردد.

کننده حس رفاه و رضایتمندی به ساکنین از طریق خصوصیات کالبدی، اجتماعی یا نمادین است. چنین محیطی، متضمن زندگی با کیفیت و پشتیبان اصلی فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است (Lansing & Marans, 1969).

رضایتمندی، اغلب جهت ارزیابی ادراکات و احساسات ساکنین از واحد مسکونی و محیط زندگی خویش به کار می‌رود. از دید پژوهشگرانی مانند ورودی<sup>۱</sup> و کروزا<sup>۲</sup>، گلاستر<sup>۳</sup> و هسر<sup>۴</sup>، رضایتمندی از محیط سکونت به طور مستقیم به میزان رضایت در دو جزء واحدهای مسکونی و واحدهای همسایگی، و به طور غیرمستقیم به ویژگی‌های شخصی، فرهنگی، اجتماعی و سایر ویژگی‌های مخاطب بستگی دارد (Glaster & Hesser, 1981; Varady & Carrozza, 2000). نهایتاً این مفهوم نشانه‌ای مهم مبنی بر وجود ادراکات مثبت ساکنین نسبت به «کیفیت محیط زندگی» خویش تلقی می‌شود.

با توجه به اینکه احساس رضایت از محیط سکونت باعث ارزیابی مثبت ساکنین و تحکیم و پایداری ارتباط آنان با محیط گشته و منتج به ایجاد حس تعلق می‌گردد، می‌توان گفت رویکرد رضایتمندی، نزدیک‌ترین ارتباط را با مفهوم حس تعلق داراست. (Ge & Hokao, 2006; Jelinkova & Picek, 1984, 144; Giuliani & Feldman, 1993, 271).

#### ۲.۲.۱. معیارهای کیفیت محیط زندگی

با توجه به آنچه گفته شد درمی‌یابیم که کیفیت محیط زندگی به عنوان یکی از الزامات اولیه کیفیت زندگی، دربرگیرنده احساس رفاه، آسایش و رضایت مردم از عوامل کالبدی-فضایی، اجتماعی-اقتصادی، زیست محیطی و نمادین محیط زندگی‌شان است. به عبارت دیگر، کیفیت محیط نه تنها به حوزه برآورده‌سازی نیازهای مادی انسانی توجه دارد، بلکه همچنین به تامین و ارتقای وضعیت اجتماعی و توسعه اجتماعی که بر الگوهای رفتار اجتماعی آنها نیز تأثیرگذار است، توجه دارد. بنابراین بهبود و ارتقای کیفیت محیط مسکونی، به یکی از اهداف اصلی سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان شهری تبدیل شده است و به همین منظور شناسایی مولفه‌های کیفیت‌ساز محیط در همه پژوهش‌های مرتبط با کیفیت محیط زندگی، یکی از اهداف اولیه و اساسی پژوهشگران و سیاست‌گذاران بوده است. بررسی پیشینه پژوهش با توجه به رویکرد رضایتمندی، معیارهای محیط زندگی را در سه بخش واحد مسکونی، واحد همسایگی و محله مورد شناسایی قرار داد. می‌توان نتایج این تحقیقات را در جدول ۲ مشاهده نمود.

با توجه به اهداف پژوهش و ماهیت مجتمع‌های مسکونی بلندمرتبه، معیارهای پیشگفته در جدول ۲ برای سنجش کیفیت محیط زندگی در این مجموعه‌ها، در دو سطح محیط مسکونی و محیط مجتمع‌های مسکونی شناسایی شد. اساس انتخاب این معیارها، میزان توانایی آنها در سنجش کیفیت محیط نمونه موردی با تأکید بر سنجش همه‌جانبه مولفه‌های عینی و ذهنی محیط زندگی و سنجش حس تعلق صورت گرفت.

دربگیرنده ادراکات ذهنی، نگرش‌ها و ارزش‌های گروه‌ها و افراد مختلف است (Proteous, 1971).

-تعریفی که ون پل<sup>۵</sup> از این مفهوم ارائه می‌دهد بدین صورت است: «کیفیت محیط شهری» مفهومی واجد ارزش ذهنی از عینیت‌های محیط محسوب می‌شود. این ارزش به واسطه ارزش «محیط شهری» که دربرگیرنده ویژگی‌های اساسی نظیر رضایتمندی فردی از مسکن، محله و همسایگان از محیط اطراف است، تعیین می‌شود. بدین ترتیب ارزش ذهنی کلی محیط شهری، معادل مجموع ارزیابی‌های صورت گرفته از ویژگی‌ها و مولفه‌های سازنده محیط است (Van poll, 1997).

با بررسی رویکردهای متنوعی که به مبحث کیفیت محیط پرداخته و همچنین با توجه به نظریات مطرح شده در زمینه حس تعلق، تعریف ارائه شده از ون پل به عنوان تعریف مورد قبول پژوهش مدنظر قرار می‌گیرد. بنابراین می‌توان گفت ارزش کلی محیط مسکونی، معادل مجموع ارزیابی‌های صورت گرفته از ویژگی‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و کالبدی-فضایی محیط شهری است که نشان‌دهنده میزان رضایت یا عدم رضایت شهروندان از محیط شهری می‌باشد.

#### ۱.۲.۱. رویکردهای نظری به بحث کیفیت محیط زندگی

سنت‌های گسترده کیفیت محیط زندگی، از روش‌های متفاوت درک کیفیت محیط شهری سرچشمه می‌گیرد که هر یک منتج از یک نظام خاص نظیر انسان‌شناسی، معماری، اقتصاد، طراحی محیطی، جغرافیا، روانشناسی و جامعه‌شناسی بوده و حاصل کاربرد مفاهیم و بسط موضوعات مربوط به آن افق فکری است (Ge & Hokao, 2006). گرچه این تنوع و گوناگونی در حوزه‌ی رویکردهای معطوف به بحث کیفیت محیط‌های مسکونی وجود دارد، اما با توجه به ارتباط نزدیک این رویکرد با حس تعلق، رویکرد رضایتمندی سکونتی به عنوان رویکرد انتخابی پژوهش مورد تدقیق قرار می‌گیرد.

#### ۱.۱.۲.۱. رویکرد رضایتمندی سکونتی<sup>۶</sup>

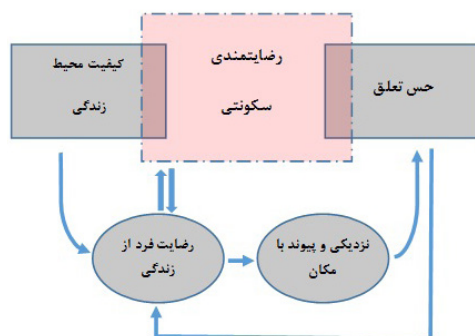
نظریه‌ی «رضایتمندی سکونتی» برای تعیین یک چارچوب راهنما جهت شناخت خصوصیات ساختاری خانوارها و بافت محل سکونت آنها که بر جوانب گوناگون رضایتمندی تأثیرگذار است، بکار می‌رود (Glaster & Hesser, 1981). رضایتمندی سکونتی از آنجا که بخشی از حوزه‌ی رضایتمندی از زندگی در معنای عام می‌باشد، یکی از مطالعه‌شده‌ترین موضوعات در زمینه‌ی محیط مسکونی محسوب می‌شود (Ge & Hokao, 2006). این مفهوم بنا به تعریف گلاستر عبارت است از: «شکاف قابل مشاهده بین آمل و نیازهای ساکنین و واقعیت موجود بستر سکونتی آنها» (Glaster & Hesser, 1981). در تعریفی دیگر، رضایتمندی سکونتی معادل میزان رضایت تجربه شده‌ی فرد یا عضوی از یک خانواده از موقعیت سکونتی فعلی خود محسوب شده است. رضایت از محل سکونت را می‌توان معادل رضایتی که فرد یا عضوی از یک خانواده از مسکن فعلی خود درک می‌کند، دانست (بهزادفر و قاضی زاده، ۱۳۹۰). لنزینگ<sup>۷</sup> و مارانز<sup>۸</sup> بیان می‌دارند که محیط شهری با کیفیت، القا-

مطالعه رابطه میان رضایتمندی ساکنان از محیط زندگی و میزان حس تعلق آنها در مجتمع مسکونی بلند مرتبه شهرک کوثر تهران

جدول ۲- شاخص‌های کیفیت محیط زندگی.

سطح	محقق	شاخص
محله	Campell,1996	سکونتگاهی پاک، ایمن، واجد آزادی فضایی، تنوع، حیات محله‌ای
	onibokun,1974; Carp et al,1976	وجود تسهیلات و دسترسی آنها، وجود خدمات محله‌ای و مدیریت شهری
	Islam et al., 1997, 18	کیفیت زیرساخت‌ها، خدمات بهداشتی، تامین آب آشامیدنی، وجود مراکز آموزشی، ورزشی و تفریحی، دفع زباله، تامین برق، گاز
	Khaef & zebardast,2015 متوسلی، ۱۳۸۹	سلامت محیطی، آلودگی، بهداشت محیطی، پاکیزگی، ایمنی و امنیت، دسترسی به مراکز آموزشی، مراکز خرید، بهداشتی و خدماتی، دسترسی به وسایل نقلیه عمومی و خصوصی، فضای سبز
	زبردست و بنی عامریان، ۱۳۸۹	دسترسی، حمل و نقل، مدارس، خدمات بهداشتی، آموزشی، خدماتی
	Van poll,1997	وجود یا فقدان اشکال مختلف آلودگی هوا، آلودگی آب، آلودگی خاک و عواملی که محیط را رو به افول می برد
	Ge & Hokao,2006	هم‌جواری با طبیعت، دید به فضای سبز
واحد همسایگی	رفعیان و مولودی، ۱۳۹۰، بحرینی و طبیبیان، ۱۳۷۷	دسترسی به دیگر افراد، فعالیت‌ها، منابع، خدمات اطلاعات یا مکان‌ها؛ دسترسی مناسب محله به اداری، تجاری، خدماتی؛ تعادل بین فضای باز و ساخته شده؛ تعادل بین فضای باز و ساخته شده، فضای سبز منظر آرای شده؛ امنیت.
	Carp et al,1976، سرمست و متوسلی، ۱۳۸۹	ویژگی‌های شخصی و اجتماعی همسایگان، تعاملات همسایگی
	گیفورد، ۱۳۷۸	مشابه بودن همسایگان
	Glaster & Hesser,1981	نزدیک بودن دوستان و اقوام به محل سکونت
	Khaef & Zebardast, 2015	همسایگان و دوستان حامی
	Amerigo & Aragones 1997, Ammole, 2009، فروزنده و مطلبی، ۱۳۹۰، سرمست و متوسلی، ۱۳۸۹	شرکت در فعالیت‌های واحد همسایگی، ملاقات با همسایگان، شرکت در فعالیت‌های اجتماعی و وجود تعلق محله‌ای
	Kinsey & Lane,1983 رفعیان و دیگران، ۱۳۹۲، Khaef & Zebardast, 2015	تسهیلات و تجهیزات واحد مسکونی، اندازه واحد مسکونی، تعداد و اندازه اتاق‌ها، هزینه‌های مالی واحد، حریمیت و حریم خصوصی، استقامت بنا، تامین انرژی‌های مورد نیازمانند برق، گاز، آب، تهویه
واحد مسکونی	Jelinkova & Picek,1984, Kinsey & Lane,1983	فضای درونی واحد مسکونی، تعداد اتاق، میزان سرو و صدا
	English Partner Ships, 2014, Carp et al,1976 سرمست و متوسلی، ۱۳۸۹	مالکیت، ویژگی‌های کالبدی مسکن، مخارج مسکن، ارزش افزوده مسکن، مدیریت و نگهداری مجتمع

## ۲. مدل مفهومی پژوهش



تصویر ۱- مدل مفهومی پژوهش.

## ۳. روش تحقیق

در این پژوهش از روش تبیینی (آزمون نظریه) استفاده می‌شود. بدین منظور و برای به دست آوردن معیارهای کیفیت محیط

مطالعات انجام شده نشان دهنده این موضوع است که بین دو مفهوم حس تعلق و کیفیت محیط زندگی، مفهوم میانی دیگری قرار دارد که می‌تواند حلقه ارتباطی این دو موضوع باشد. مفهوم رضایتمندی که به عنوان رویکرد منتخب این پژوهش تدقیق شد، به معنای میزان رضایت تجربه شده ساکنین از کیفیت محیط زندگی‌شان است (بهزادفر و قاضی زاده، ۱۳۹۰) و بالاترین همپوشانی را با حس تعلق داراست. رضایتمندی عاملی است که می‌تواند با پوشش جنبه‌های کیفیتی محیط، به نوعی خود ارزیابی‌کننده میزان حس تعلق ساکنین نیز باشد، زیرا میزان رضایت افراد از محیط زندگی‌شان، احساس نزدیکی و پیوند با محیط را به وجود می‌آورد و این ارتباط که به صورت قوی‌تر و پایدارتری شکل می‌گیرد، احساس تعلق ساکنین را افزایش می‌دهد (تصویر ۱).

این شهرک شامل ۱۵ برج ۱۶ طبقه می باشد و تعدادی خرده فروشی، کالا و خدمات روزانه اهالی شهرک را فراهم می کنند. جنب درب ورودی شهرک، یک دستگاه خودپرداز وجود دارد و در قسمت بسیار کوچکی از محوطه، تعدادی وسایل بدنسازی در فضای باز گذاشته شده است. همچنین در مجاورت شهرک، مجتمع تجاری پرنیان وابسته به شهرک آتی ساز (شهرک مجاور مجتمع) وجود دارد. ساکنین این شهرک اغلب از خانواده های نظامی بوده و دارای فرهنگ مشابه هستند. شهرک کوثر از لحاظ امنیتی دارای نگهبانی شبانه روزی در دو درب جنوبی و غربی بوده و ورودی ها با دوربین کنترل می شوند.

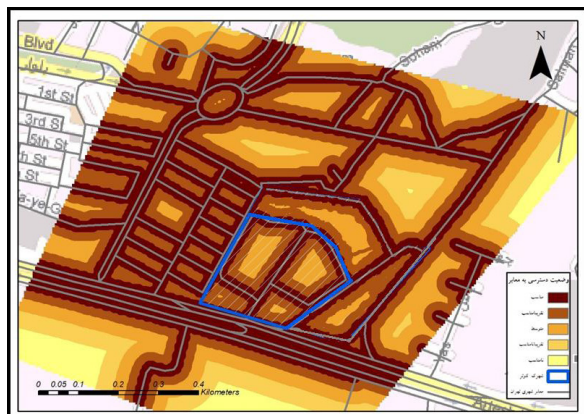
## ۵. تحلیل داده ها

پس از تکمیل پرسشنامه ها و انجام تحلیل های توصیفی مربوطه، نتایج زیر از پرسشنامه ها به دست آمد: براساس یافته های حاصل از تحلیل عاملی، کیفیت زندگی در شهرک کوثر "مقدار KMO" برابر است با ۰/۷۶۰ و مقدار بارنتل آن ۸۲۱۶/۰۴ بوده و سطح معنی داری ۹۹٪ به دست آمد که حاکی از مناسب بودن همبستگی متغیرهای وارد شده برای تحلیل عاملی می باشد (جدول ۴).

پس از انجام تحلیل عاملی تاییدی، ۸ عامل دارای بردار ویژه بزرگ تر از یک به دست آمد. به طور کلی، هشت عامل فوق در مجموع ۵۸/۰۱٪ کل واریانس را تبیین می نمایند که نشان از درصد بالای واریانس تبیین شده توسط این عامل ها می باشد. براساس یافته های حاصل از جدول ۵، عامل اول با مقدار ویژه ۸/۴۱، تبیین کننده بیش از ۱۸/۱۲٪ واریانس کل می باشد. وضعیت فرارگیری متغیرها در عوامل با فرض واقع شدن

جدول ۴- نتایج آزمون بارنتل و KMO.

Kaiser-Meyer-Olkin Measure of Sampling Adequacy	۰/۷۶۰
Bartlett's Test of Sphericity	Approx. Chi-Square ۸۲۱۶/۰۴
Df	۱۰۳۵
Sig.	۰/۰۰۰



تصویر ۳- شبکه دسترسی شهرک کوثر در محدوده.

زندگی در مجتمع های مسکونی بلندمرتبه، به منظور کمی کردن معیارهای به دست آمده از پژوهش، درخت ارزش<sup>۱۳</sup> تشکیل و به صورت بالا به پایین طبقه بندی شد و در سطح آخر (سطح چهار)، ۶۲ جزء شاخص (که قابلیت کمی کردن را داشتند)، تعیین شد. در پرسشنامه ای که طراحی شد، میزان رضایتمندی ساکنین از شاخص های سطح چهار درخت ارزش در ۶۲ گویه مورد سوال قرار گرفته شد و از طیف ۵ گزیننه ای لیکرت<sup>۱۴</sup> با مقادیر بسیار کم / بسیار ضعیف تا بسیار خوب استفاده شد. تعداد ۳۸۰ پرسشنامه به روش کوکران تعیین و تهیه شد. روش نمونه گیری به صورت سیستماتیک بود به نحوی که از تقسیم تعداد جمعیت ساکن در شهرک بر تعداد بلوک های مجتمع، تعداد پرسشنامه هایی که باید در هر بلوک توزیع شود، تعیین گردید. به منظور استخراج معیارهای کیفیت محیط از گویه های پرسشنامه، از روش تحلیل عاملی استفاده شده است. همچنین به منظور تبیین ارتباط این معیارها با حس تعلق ساکنین، از همبستگی پیرسون استفاده شد. با استفاده از نرم افزار SPSS، میزان آلفای کرونباخ<sup>۱۵</sup> پرسشنامه ۰/۸۴۷ به دست آمد که این میزان نشان دهنده پایایی پرسشنامه و مناسب بودن همبستگی درونی داده ها می باشد (جدول ۳).

## ۴. آشنایی با محدوده مورد مطالعه

پژوهش حاضر شهرک کوثر در تهران را که مجتمع مسکونی بلند مرتبه<sup>۱۶</sup> شناخته می شود انتخاب و مورد ارزیابی قرارداد (تصاویر ۲ و ۳). وجود ۱۵ بلوک بالای ۱۰ طبقه در یک مجموعه با قدمتی بیش از ۱۰ سال و فرارگیری در مجاورت شبکه بزرگراهی، شرایط مناسبی را برای دستیابی به اهداف این پژوهش فراهم آورده است. این شهرک با جمعیتی حدود ۶۰۰۰ نفر در محله سوهانک در انتهای اتوبان ارتش در قسمت شمالی محله ازگل در منطقه یک تهران قرار گرفته است.

جدول ۳- میزان آلفای کرونباخ پرسشنامه ها.

نام شهرک	Cronbach's Alpha	Cronbach's Alpha Based on Standardized Items
شهرک کوثر	۰/۸۴۷	۰/۸۵۰



تصویر ۲- نحوه چیدمان بلوک ها.

مسکونی در شهرک کوثر ۰,۶۰۰ و کیفیت محیط مجتمع ۰,۶۱۸ به دست آمد (جدول ۸) و در نهایت میزان کیفیت محیط زندگی شهرک کوثر ۰,۶۱ (جدول ۹) و در حد خوب ارزیابی شد. همچنین همانگونه که گفته شد میزان حس تعلق ساکنین در سطح سوم سنجیده شد و میزان ۰,۶۶ نشان داد که حس تعلق ساکنین نیز در سطح خوب قرار دارد (جدول ۷).

### ۲.۵. بررسی تاثیر معیارهای کیفیت محیط زندگی بر حس تعلق ساکنین

در ادامه به منظور تبیین ارتباط معیارهای کیفیت محیط زندگی بر میزان حس تعلق ساکنین از روش همبستگی پیرسون استفاده شد. در این روش به منظور تبیین ارتباط بین هر یک از معیارهای هشتگانه و میزان حس تعلق ساکنین (که در سطح سوم و بر اساس معیارهای میزان مشارکت، وجود تعاملات اجتماعی، فعالیت‌های گروهی، نحوه مشارکت در بهبود محیط زندگی، وجود ارتباطات اجتماعی در همسایگی، مطلوبیت کالبدی، وجود خاطرات و مکان‌های ماندگار سنجیده شده و میزان آن در شهرک کوثر خوب ارزیابی گردید (۰,۶۶)، از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. نتایج حاصل از این آزمون در

متغیرهای با بار عاملی بزرگ‌تر از ۰,۵، بعد از چرخش عامل‌ها به روش وریماکس تعیین گردیدند. با توجه به متغیرهای تشکیل دهنده عامل‌ها، هر یک از عوامل، نام‌گذاری و هشت معیار کیفیت محیط زندگی در بلندمرتبه‌ها به دست آمد (جدول ۶). این معیارها عبارتند از: تسهیلات و خدمات، حس تعلق، دسترسی، مدیریت شهرک، ایمنی و امنیت، متغیرهای محیطی، تسهیلات محیط مسکونی و هزینه‌ها.

### ۱.۵. سنجش کیفیت محیط زندگی

پس از بررسی شاخص‌های سطوح پایین درخت ارزش با استفاده از روش تحلیل عاملی میزان کیفیت محیط زندگی (سطح اول) مورد بررسی قرار گرفت. همانگونه که گفته شد کیفیت محیط زندگی از تلفیق نتایج کیفیت محیط در دو سطح محیط مسکونی و محیط مجتمع به دست خواهد آمد. کیفیت محیط مسکونی، از کیفیت زیرشاخص‌های تسهیلات مسکونی و هزینه‌ها و شاخص کیفیت محیط مجتمع، از زیرشاخص‌های تسهیلات و خدمات، ایمنی و امنیت، حس تعلق، دسترسی، متغیرهای محیطی و مدیریت شهرک تشکیل می‌گردد (جدول ۷). با استفاده از تلفیق نتایج به دست آمده، میزان کیفیت محیط

جدول ۵- عوامل استخراج شده از تحلیل عاملی.

عامل‌ها	مقدار ویژه	درصد واریانس مقدار ویژه	درصد واریانس تجمعی
اول	۸/۴۱	۱۸/۱۲	۱۸/۱۲
دوم	۴/۱۸	۹/۱۰	۲۷/۲۲
سوم	۳/۲۲	۷/۰۱	۳۴/۲۳
چهار	۲/۹۵	۶/۴۳	۴۰/۶۶
پنج	۲/۶۲	۵/۷۰	۴۶/۳۶
شش	۱/۹۴	۴/۲۳	۵۰/۵۹
هفت	۱/۸۷	۴/۰۶	۵۴/۶۵
هشت	۱/۵۵	۳/۳۶	۵۸/۰۱

جدول ۶- عوامل استخراج شده از تحلیل عاملی و نام‌گذاری آنها.

عامل	X1	X2	X3	X4	X5	X6	X7	X8
عامل نام‌گذاری شده	تسهیلات و خدمات	ایمنی و امنیت	حس تعلق	دسترسی	تسهیلات محیط مسکونی	هزینه‌ها	متغیرهای محیطی	مدیریت شهرک

جدول ۷- شاخص‌های سطح سوم.

نام شاخص	تسهیلات و خدمات	حس تعلق	دسترسی	مدیریت شهرک	ایمنی و امنیت	عوامل محیطی	تسهیلات مسکونی	هزینه‌ها
امتیاز	۰,۶۵	۰,۶۶	۰,۶۵	۰,۵۵	۰,۶۲	۰,۵۸	۰,۵۹	۰,۶۳

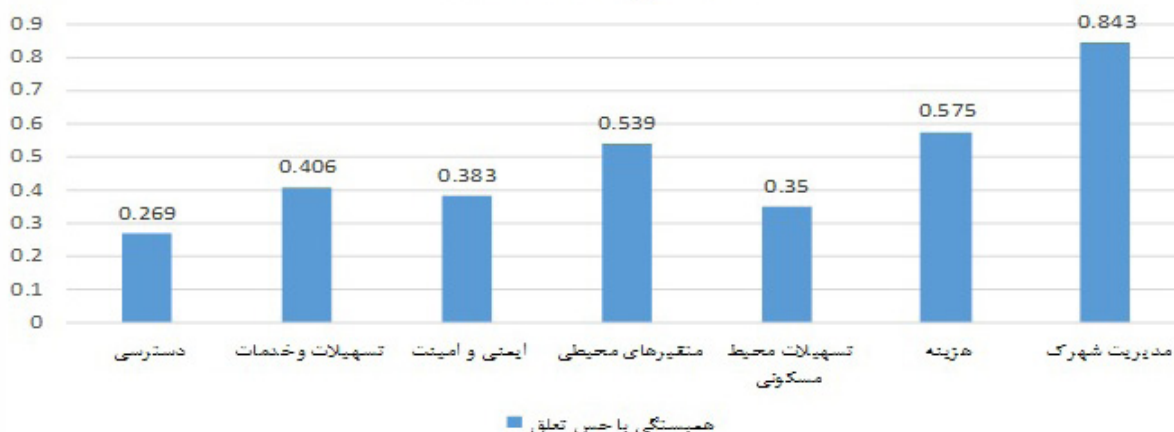
جدول ۸- شاخص‌های سطح دوم.

نام شاخص	کیفیت محیط مسکونی	کیفیت محیط مجتمع
امتیاز	۰,۶۰۰	۰,۶۱۸

جدول ۹- شاخص سطح اول.

نام شاخص	کیفیت محیط زندگی
امتیاز	۰,۶۱

نمودار ۱- میزان همبستگی معیارهای کیفیت محیط با معیار حس تعلق.



جدول ۱۰- شدت همبستگی معیارهای کیفیت محیط زندگی در مجتمع های مسکونی بلندمرتبه و حس تعلق.

میزان همبستگی با حس تعلق	بسیار ضعیف (۰,۲-۰)	ضعیف (۰,۲-۰,۴)	متوسط (۰,۴-۰,۶)	زیاد (۰,۶-۰,۸)	بسیار زیاد (۰,۸-۱)
معیارهای کیفیت محیط زندگی	-	ایمنی و امنیت، دسترسی، محیط مسکونی	تسهیلات و خدمات، هزینه، متغیرهای محیطی	-	مدیریت شهرک

میزان رضایت از هر یک از این معیارها، میزان حس تعلق ساکنین نیز به طور معناداری افزایش می یابد. همچنین قابل ذکر است که از این بین، تغییرات مولفه مدیریت شهرک با مقدار  $r=0,843$ ، بیشترین تاثیر هم جهت را بر تغییر میزان حس تعلق ساکنین می گذارد.

نمودار ۱ آورده شده است. نتایج به دست آمده از ضریب همبستگی پیرسون نشان می دهد که تمامی معیارهای کیفیت محیط زندگی با میزان حس تعلق دارای ارتباطی مثبت و معنادار هستند (با سطح معناداری ۹۹٪ و ۹۵٪) و این بدان معناست که با افزایش

## نتیجه

بین میزان رضایت از مدیریت شهرک و حس تعلق است. گویا رضایت از نحوه مدیریت مجتمع ها، به نوعی رضایت درونی و ذهنی بیشتری در ساکنین ایجاد می کند و ارتباط آنها با محیط زندگی شان را مستحکم تر می سازد. همچنین مشخص گردید که به ترتیب هزینه ها، متغیرهای محیطی، تسهیلات و خدمات، ایمنی و امنیت، تسهیلات محیط مسکونی و معیار دسترسی در رتبه های بعدی قرار دارند. در پژوهش هایی که در زمینه حس تعلق صورت گرفته مانند پژوهش سرمست و متوسلی و پژوهش فروزنده و مطلبی (جدول ۲)، عواملی مانند امنیت، تعاملات اجتماعی، سهولت دسترسی، مشارکت، میزان و هزینه خدمات، وضعیت و نحوه ساخت مکان و تعدادی از متغیرهای محیطی به عنوان عوامل موثر بر حس تعلق معرفی شده اند که تاییدی بر یافته های این پژوهش و ارتباط معنادار بین معیارهای کیفیت محیط و حس تعلق می باشد. با توجه به نتایج به دست آمده می توان با برنامه ریزی و اقدام صحیح و موثر در حوزه هر یک از این معیارهای هشتگانه و بهبود شرایط و میزان رضایت ساکنین از آنها، حس تعلق را در این مجتمع ها بالا برد. روش هایی مانند استفاده از تندیس ها و نمادها در فضاهای موجود به منظور هویت زایی، برگزاری کلاس های آموزشی و پرورشی برای ساکنین، برگزاری جشنواره ها و نمایشگاه های فرهنگی - هنری، استفاده

به دنبال رشد روزافزون مجتمع های مسکونی بلندمرتبه، مسایل و مشکلات مرتبط با این مجموعه ها که منتج بود از عواملی مانند تراکم بالای جمعیتی، تعداد طبقات، محصوریت فضایی و تنوع فرهنگی ساکنین، نیز رو به افزایش نهاد. یکی از مهم ترین این مسایل، کمرنگ شدن تعاملات اجتماعی و کاهش ارتباطات پایدار ساکنین با هم و به دنبال آن کاهش حس تعلق بود. بدین منظور این پژوهش به دنبال تبیین ارتباط بین رضایتمندی ساکنان و میزان حس تعلق آنها صورت پذیرفت. به منظور تایید مبانی نظری پژوهش، نمونه موردی پژوهش ارزیابی و نتایج حاصل از آن نشان داد که میزان رضایتمندی در این مجتمع مسکونی بلند مرتبه در سطح خوب قرار دارد و از سوی دیگر میزان حس تعلق ساکنین نیز خوب ارزیابی شد. همچنین همبستگی مثبت و قوی میان رضایتمندی و حس تعلق تایید گردید. این نتایج تاییدی بر این موضوع است که با افزایش میزان رضایتمندی ساکنین که خود ناشی از بالابردن کیفیت محیط زندگی شان است، حس تعلق آنها نیز افزایش می یابد. در ادامه به دنبال تبیین ارتباط معیارهای کیفیت محیط بر تعلق ساکنین، تدقیق بیشتر در نتایج نشان داد که همبستگی مثبت و معناداری بین رضایتمندی از هر یک از معیارهای کیفیت محیط زندگی و میزان حس تعلق وجود دارد و بیشترین همبستگی



مدیریت و تامین مالی، ارائه گزارش فعالیت‌های انجام شده به ساکنین و استفاده از نظریات آنها و دخالت دادن شان در روند تصمیم‌سازی (که یکی از سیاست‌های موثر در افزایش شناخت همسایگان از یکدیگر و افزایش همبستگی اجتماعی می‌باشد)، تاثیر مثبتی در جهت افزایش رضایتمندی و حس تعلق خواهند داشت و می‌توان در جهت سرزندگی و پایداری در مجتمع‌های مسکونی بلندمرتبه از آنها یاری جست.

از دوربین‌های مدار بسته برای فضاهای عمومی، استفاده از روشنایی مناسب در فضاهای باز شهرک جهت تامین امنیت بیشتر، ارتقای سطح ایمنی سواره و پیاده، استفاده از گلدان‌ها و گیاهان سبز در فضاهای راه پله‌ها، پاگردها و بالکن‌ها، بهبود کیفیت سیمای بصری و زیباسازی نماهای بلوک‌ها توسط رنگ‌آمیزی مجدد، برگزاری ملاقات‌های مدون مدیریت با ساکنین شهرک، جلب مشارکت ساکنین در تصمیم‌گیری،

## پی‌نوشت‌ها

- مدیریت شهری، شماره ۲۶، صص ۱۳۳-۱۴۶.
- شولتز، کریستین (۱۳۹۲)، روح مکان: بسوی پدیدارشناسی معماری، رخ داد نو، تهران.
- فروزنده جوان، علی؛ مطلبی، قاسم (۱۳۹۰)، مفهوم حس تعلق به مکان و عوامل تشکیل دهنده آن، هویت شهر، دوره ۵، شماره ۸، صص ۲۷-۳۸.
- کشفی، محمدعلی؛ حسینی، سیدباقر؛ نوروزیان ملکی، سعید (۱۳۹۱)، نقش فضاهای عمومی ساختمان‌های مسکونی بلندمرتبه در افزایش تعاملات اجتماعی ساکنین؛ پژوهش موردی: برج بین‌المللی تهران، مدیریت شهری، دوره ۱۰، شماره ۳۰، صص ۷-۱۸.
- گیفورد، رابرت (۱۳۷۸)، ادراک و شناخت محیطی، ترجمه نسرين دهباشی، نشریه معماری و فرهنگ، شماره ۲ و ۳، صص ۵-۲۳.
- معینی، مهدیه؛ اسلامی، سید غلامرضا (۱۳۹۱)، رویکردی تحلیلی به کیفیت محیط مسکونی معاصر، هویت شهر، دوره ۶، شماره ۱۰، صص ۴۷-۵۸.
- ملکی، محمدرضا؛ پارسا، سپیده؛ وثیق، بهزاد؛ مرادی، ابراهیم (۱۳۹۳)، بررسی حس تعلق به مکان با توجه به تفاوت‌های جنسیتی (مطالعه موردی: شهر ایلام)، مسکن و محیط روستا، دوره ۳۳، شماره ۱۴۸، صص ۹۹-۱۰۸.
- Altman, I & Low, S. M (Eds.) (1992), *Place attachment* (Vol. 12, Plenum Press), New York.
- Amerigo, M & Aragones, J (1997), A theoretical and methodological approach to the study of residential satisfaction, *Journal of Psychology*, 17, 47-57.
- Amole, dolapo (2009), Residential satisfaction in student's housing, *Journal of environmental psychology* 29, pp.76-85.
- Bonaiuto, M; Aiello, A; Perugini, M; Bonnes, M & Ecolani, A.P (1999), Multidimensional perception of residential environment quality and neighborhood attachment in the urban environment, *J. Environ. Psychol*, 19, 331-352.
- Bonaiuto, M; Fornara, Ferdinando & Mirilia, Bonnes (2003), Indexes of perceived residential environment quality and neighbourhood attachment in urban environments: a confirmation study on the city of Rome, *Landscape and Urban Planning*, 65, 41-25.
- Campbell, S (1996), Green cities, growing cities, just cities? Urban planning and the contradictions of sustainable development, *Journal of American Planning Association*, 62, pp. 296-312.
- Carp, F; Zawadski, R & Shokron, H (1976), Dimensions of urban environmental quality, *Environment and Behavior*, 8(2), 239-264.
- English Partner Ships (2007), *Quality standards-delivering quality places: places-homes-people*, available at: www.englishpartnerships.co.uk. (sep, 2014).
- Glaster, G. C & Hesser, G.W (1981), *Residential satisfaction composition and contextual correlates*, *Environment and Behavior*, 13 (6), 735-758.
- Ge, J & Hokao K (2006), Research on Residential Lifestyles in Japanese Cities from the Viewpoints of Residential Preference, Residential Choice

- 1 Attachment Sense.
  - 2 Quality of Living Environment.
  - 3 Ott.
  - 4 Proteus.
  - 5 Van poll.
  - 6 Residential Environment.
  - 7 Lansing.
  - 8 Marans.
  - 9 Varady.
  - 10 Carroza.
  - 11 Glaster.
  - 12 Hesser.
- ۱۳ پس از استخراج معیارها و شاخص‌های کیفیت محیط زندگی، به سطح بندی معیارها و تبدیل آنها به جزء‌ترین شاخص‌ها به نحوی که قابل اندازه‌گیری باشند می‌پردازیم و هر یک از معیارها به جزء‌ترین شاخص قابل اندازه‌گیری، منتهی می‌گردند. پس از آن، شاخص‌ها در سطوح بالا به پایین و در چهار سطح، قرار گرفته و منجر به تشکیل درخت ارزش (Value Tree) می‌گردد.
- 14 Likert.
  - 15 Cronbach.
  - 16 High Rise Residential Complex.
  - 17 Kaiser meyer Olkin.

## فهرست منابع

- بحرینی، حسین؛ طیبیان، منوچهر (۱۳۷۷)، مدل ارزیابی کیفیت محیط زیست شهری، *مجله محیط‌شناسی، مجموعه پژوهش‌های محیط زیست، دوره ۲۴، شماره ۲۱ و ۲۲، صص ۴۱-۵۶.*
- بهزادفر، مصطفی؛ قاضی زاده، سپیده ندا (۱۳۹۰)، حس رضایت از فضای باز مسکونی نمونه مورد مطالعه: مجتمع‌های مسکونی شهر، تهران، نشریه هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی، شماره ۴۵، صص ۱۵-۲۴.
- چرخچیان، مریم (۱۳۹۳)، بررسی نقش ویژگی‌های فردی در میزان دل‌بستگی کاربران به فضاهای شهری (نمونه موردی: خیابان خیام در قزوین)، *جغرافیا و برنامه‌ریزی، دوره ۱۸، شماره ۴۷، صص ۵۵-۶۹.*
- رفیعیان، مجتبی؛ عسکری زاده، زهرا؛ فرزاد، مهناز (۱۳۹۲)، مطلوبیت‌سنجی محیط‌های شهری، نگرشی تحلیلی در سنجش کیفیت محیط شهری، *موسسه نشر شهر، تهران.*
- رفیعیان، مجتبی؛ مولودی، منوچهر (۱۳۹۰)، رویکردها و روش‌های سنجش کیفیت محیط مسکونی شهری، *آذرخش، تهران.*
- زبردست، اسفندیار؛ بنی‌عامریان، مهسا (۱۳۸۹)، بررسی ارتباط میان شاخص‌های عینی و ذهنی بعد خدمات عمومی کیفیت زندگی شهری در شهر جدید هشتگرد، *نامه معماری و شهرسازی، دوره ۲، شماره ۳، صص ۵-۲۲.*
- سرمدت، بهرام؛ متوسلی محمد مهدی (۱۳۸۹)، بررسی و تحلیل نقش مقیاس شهر در میزان حس تعلق به مکان «نمونه موردی شهر تهران»،

Onibokun, A. G (1974), Evaluatin consumers' satisfaction with housing: an application of a system approach, *Journal of the American Planning Association*, 40(3), pp.189-200.

Ott, W. R (1978), *Environmental indices: Theory and practice*; Ann Arbor Science Publishers, Ann Arbor.

Porteous, J.D (1971), Design with people: The quality of the urban environment, *Environment and Behavior*, 3(2), pp.155-177.

Scannell, L; Gifford, R (2010), Defining place attachment: A tripartite organizing framework, *Journal of Environmental Psychology*, 30, pp.1-10.

Sumaker, S.A & Taylor, R.B (1983), Toward a clarification of People Place relationships: a model of attachment to place, In N.R. Feimer & E.S. Creller (Eds.), *Enviromental Psychology: Directions and Perspectives*, NewYork, pp. 219-256.

Ujang, N (2010), Place attachment and continuity of urban place identity, *Asian Journal of Environment Behavior Studies*, 11, pp. 41-74.

Van poll, R (1997), *The perceived quality of the urban residential environment. A multi attitude evaluation*, PhD thesis, center for energy and environmental studies (IVEM), university of Groningen (RuG), the Netherlands.

Varady. D.p & Carrozza, M. A (2000), Toward a better way to measure customer satisfaction levels in public housing: A report from Cincinnati, *Housing Studies*, 15(6), pp.797-825.

and Residential Satisfaction, *Landscape Urban Plan*, 78(3), pp.165-178.

Giuliani M.V & R. Feldman (1993), Place attachment in a developmental and cultural context, *Journal of Environmental Psychology*, No 13, pp. 267-274.

Hidalgo, Carmona & Hernandez, Bernard (2001), Place Attachment: Conceptual and Empirical Questions, *Journal of environmental Psychology*, Vol 21, pp. 273-281.

Islam, N., M N Huda, F Narayan and P.B. Rana (1997), *Addressing the Urban Poverty Agenda in Bangladesh: Critical Issues and 1995 Survey Findings*, published for the Asian Development Bank, University Press Limited, Dhaka.

Jelinkova, Z & Picek, M (1984), Physical and Psychological Factors Determining Population Responses to Environment, *Activ. Nerv. Sup.*, No.26, pp.144-146.

Khaef, S & Zebardast, E (2015), Assessing quality of life dimensions in deteriorated inner areas : a case from Javadieh neighborhood in Tehran metropolis , open access. In: *Social indicators research*, (2015) IN PRESS.

Kinsey, J & Lane, S (1983), Race, housing attributes and satisfaction with housing, *Housing and Society*, 10, pp. 98-116.

Lansing, J.B & R.W. Marans (1969), Evaluation of neighborhood, *Journal of the American institute of planners*, 35, pp.195-199.